

King Saud Univ

حق تعالی عبادان خلق ابد و غیره و شتره صرف آنکه
 بر او برکت عباد اگر فین رین خبره صرف ابد در سه حق تعالی
 فعل خبر خلق ابد و او شتره صرف ابد در فعل شتر خلق ابد
 بلکه عباد که بر فعل عقوبتیه که بر فعل آخری ابدان شود
 او لو یعنی طوعی شکره کشنک آلی حرکت اتمکله مفتاح
 دخی حرکت ابد و بونک امثالیه متولدات در لو پس فعل
 عقوبتیه فعل صیه بندک متولد او نور بیکه بود کوا و لسان
 متولدات هر برسی بر فیدن صوغرا هل حق فتنه حق
 تعالی خلقیه حاصل او لو و عید که انده صنع جهمیدن
 مدخلی بود در شکره اول فعلیه مدخلی بود بلکه کسب
 جهمیدن دخل وارد بود معنی که اگر عید فتنه مباحث
 آنسه ابدی حق تعالی مقتولک نفسیده او موت مخصوص
 خلق ابدی متغولی فتنه متولدات دخی مباحثات
 حاصل اولان فعلی عید که مخلوق در حق تعالی انده
 صنعی بود لکن بود قول فاسد رو کاهه باطلیدر
 مقتول کندی اجلی ایله او لو و اجل شول و فتنه که حق
 تعالی آن اولان بر حیوانک یعنی جانلو نسنه تک موت اجیرا
 تقدیر و تعیین اتمش که اول وقت کایدین اول و اول
 وقت کایدین صکره بر خطه تاخیر او لغز شکره فراید
 بیان ابد را اذاجه اجله را بیست خرون ساعه و لا بسنه
 متغولی فتنه حق تعالی اول مدت تمام اولدین دخی جوی
 اولد و موت دخی حق تعالی لبیکه مخلوق در عید که هیچ
 بر وجه ایله انده صنعی بود برکت حق فتنه اجل واحدند
 متغولی فتنه مقتولک ابدی اجل وارد در جوی فتنه در
 و بری متولد را که مقتول فعل اول مسیری تا زمان موت

King Saud Univ

دری و لو رد کا تماحکا زعم ابد که حیوانک او یکا اجل
 وارد که برسی اجل طبیعی یعنی شول و فتنه که بدن که
 رطوبت غیر بریه یعنی اصلیه و حرارت غیر بریه زان اوله
 پس اول وقت طبیعت حیوان موتی تقاضا ابد و برسی
 اجل اخرا عید در یعنی شول و فتنه که بر اهدت و یا خود برسی
 بشد روی وقت اوله اهل حق فتنه حرام رزق در معقول
 خالی غیره و هر کسنی رزقی اگر حرام او کحلول تمام اکل فتنیه
 او بر و هیچ کس که سسناک رزقی برحق تعالی او زرن و لب
 دکله که فولکر بنیه مصلحت لو و منعنلو اولان نسنه
 لبیکه خلق ابد و الا کافر که خسران دنیا و الاخره در
 کرد که ان خلق انمیددی بیکه جمع کفار و مؤمنولک
 بعضی تا صیقل رسنه عدل اب قیرو سؤل منکو و نکو فتنه در
 و اهل طاعته ذوق و صفا قیرو پنهان خف در لا لائ شریعه
 بوکاشه در روحش بنده کلبه در که قیرو طاعت ایمان اهل
 جنت با فیه لوزم بر اجدر کفر و معصیت اهل جهنم
 جو قیرو لبیکه بر جوفی در بعضی را فضیله و بعضی معتزل
 سکوت ابد و ب در بولو که هم حق تعالی بود در بوی که
 اخبار مختلفه و لجه سکوت افضل در شتر اجسما یعنی
 قیامت کوننده هر میتک اجزاء اصلیه یعنی عظامه الفیه
 جمع ابد و روحی اول جمع اولان اجزاء عاده اتمک
 خفدر عتاب قیرو نکارا بد نلوزم ابد که میت جمالی
 حیواند را دارک بود اکا عدل با اتمک محال در اتمایونم
 باطلد در برحق تعالی که میتک جمیع اجزاسه و یا بعض
 اجزاسه بر نوع ایله موت خلق ابدن تکلیه ام ولدات
 ادوالک ایله لازم دکله که بدنه روح کرم عودت فایه